



مراحل تربیت دینی؛ ازانس دینی تا خودجوشی دینی

کودکی که در سالهای پیش دبستانی و دبستانی با آداب دینی انس پیدا می کند و عادات دینی در او به وجود می آید

...

کودکی که در سالهای پیش دبستانی و دبستانی با آداب دینی انس پیدا می کند و عادات دینی در او به وجود می آید باید در سالهای راهنمایی معرفت دینی پیدا کند. در این مرحله ما باید از طریق دلیل و استدلال و نیز تعقل و تحلیل مسائل دینی با ذهن آماده و مستعد او ارتباط برقرار سازیم و با او صحبت کنیم. به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از دغدغه های والدین و نهادهای آموزشی این است که فرزندان و نسل جدید را بر اساس اصول دینی تربیت کنند و بتوانند آنها را در مسیر ارزش های دین قرار دهند. از این رو آگاهی از روند و روش درست تربیت دینی برای والدین و مسئولان آموزشی لازم است. در همین راستا باید یادآور شد که در تربیت دینی پنج مرحله به طور طبیعی وجود دارد که این مراحل به صورت مستمر و منظم یکی پس از دیگری فراهم و امکان پذیر خواهد شد.

انس دینی

اولین مرحله تربیت دینی، انس دینی است. کودکی که در سالهای اول زندگی با قرآن و نماز خواندن پدر و مادر و راز و نیاز ما آشنا می شود در سه یا چهار سالگی در کنار ما جانماز پهن می کند و به تقلید از ما قیام، قنوت، رکوع و سجده ای بر پا می کند کم کم زمینه ای در او ایجاد می شود به نام انس و الفت دینی. وقتی فرزند ما در کنارمان سجده و رکوعی کرد و سلام نماز را داد و ما دستش را به گرمی فشردیم و یک لبخند رضایت بخش در صورت او شکوفا گردید، به یادش می ماند که هر موقع این حرکات را انجام داده از ما یک پاداش درونی و رضایت بخشی را دریافت کرده، این رفتارها او را کم کم به نوعی تعلقات دینی گرایش خواهد داد که پایه آن انس و الفت با دین است.

در روانشناسی به این پدیده شرطی کردن می گویند به این صورت که اگر دو امر در مجاورت یکدیگر قرار بگیرد و با حضور یکی دیگری هم حضور پیدا کند، کودک کم کم بین اینها پیوندی برقرار می کند که به آن پیوند شرطی برقرار کردن گفته می شود. کودک در سالهای بعدی که زندگی مستقلی را دنبال می کند هر موقع به یاد می آورد که وقتی نماز می خواند سیمای ما شاد می شد و او را تشویق می کردیم در او شوق و علاقه به دین بوجود می آید.

عادت دینی

وقتی کاری را بارها و بارها تکرار کردیم این عمل در شخصیت ما نفوذ می کند و استوار و پایدار می شود، مثل عادت نظم، سحرخیزی، مسئولیت پذیری یا هر عادت دیگر. از خصوصیات مهم دوران کودکی و دبستان عادت پذیری است. اگر ما در این سالها همت کنیم و عادت ارزشمندی را در فرزند یا دانش آموز به وجود بیاوریم در سالهای بعد نیازی به صرف نیرو و هزینه زیاد نخواهد بود. در سن دبستان عادت دینی بهتر جایگزین می شود مثلاً ما باید بچه ها را به خواندن نماز اول وقت تشویق کنیم و عادت دهیم و به آنها یاد دهیم که صبحها قدری زودتر بیدار شده آماده نماز شوند. همچنین باید تلاش کنیم که قرآن را در حد ظرفیت و بر اساس جاذبه هایی که ما بر ایشان داریم ایجاد می کنیم حفظ کنند. حفظ آیات قرآن و سوره های کوتاه آن را در سالهای بعد او را مصون می دارد. و وقتی فرزندان به سن تکلیف می رسند باید مسائل شرعی و تکلیفی را بر ایشان بیان کرد.

معرفت دینی

مرحله سوم معرفت و تفکر دینی است کودکی که در سالهای پیش دبستانی و دبستانی با آداب دینی انس پیدا می کند و عادات دینی در او به وجود می آید باید در سالهای راهنمایی معرفت دینی پیدا کند در این مرحله ما باید از طریق دلیل و استدلال و نیز تعقل و تحلیل مسائل دینی با ذهن آماده و مستعد او ارتباط برقرار سازیم و با او صحبت کنیم. از نظر ساختار ذهن سن 13 سالگی دوره رشد انتزاعی یا رشد تدریجی تفکر است، یعنی تفکر می تواند به درجه ای برسد که انسان در غیاب اشیا هم درباره آنها فکر می کند در حالی که در سال های قبل از راهنمایی رشد و تفکر انتزاعی حاصل نشده است.

پس ما می توانیم در دوره راهنمایی با آمادگی بیشتری از معرفت دینی و اندیشه و تفکر دینی صحبت کنیم و به پرسش هایی که نوجوانان راجع به دین دارند، پاسخ بگوییم و استنباط، فهم، آگاهی و ادراک آنها را در این مرحله بالا ببریم.

مرحله چهارم، شاکله دیني است اگر در گام سوم معرفت دیني ایجاد شد، گام چهارم شاکله دیني است؛ یعنی تمام تار و پود وجود او، نگاه او، توجه او و سخن او، همه و همه جنبه شخصیت بارز دیني پیدا کند و دین در وجود او کاملاً متجلی و متبلور شود. این گفته اند دوستي برگزین که دیدن او تو را به یاد خدا بیندازد، به همین علت است؛ به چهره اش نگاه می کنید به یاد خدا می افتید.

خود جوشي دیني

مرحله پنجم خودجوشي دیني است. یعنی وقتی شخصیت او از نظر دیني کاملاً شکل گرفت، در آن مرحله از یک نیروي خود جوش استفاده می نماید و به دنبال عشق برتر حرکت می کند. او دیگر سري شوریده دارد و به دنبال گمشده ای به نام عشق برتر است. عشق برتر عشق خدایی و الهی است. اگر به عشق برتر رسید، دیگر به سادگی تحت تاثیر جاذبه های نفسانی و دنیایی قرار نمی گیرد.

حاصل تلاش ما به عنوان پدر و مادر نباید تنها معرفت دیني باشد بلکه باید شاکله دیني باشد. فرزندی که از زیر دست ما بیرون می آید و بعد به دبیرستان و دانشگاه و جامعه قدم می گذارد نباید طعمه تهاجم فرهنگی بیگانگی قرار گیرد و خود را ببازد، اگر او تنها دارای علم دیني باشد ممکن است لغزش پیدا کند، اما اگر شاکله دیني داشته باشد می تواند مقاومت کند و اگر خود جوشي دیني داشته باشد تسخیر ناپذیر خواهد بود.